

دولت سیزدهم چگونه توانست چرخ رونق اقتصادی را در استان‌ها به حرکت در آورد؟

افزایش نرخ اشتغال با احیای واحدهای تولیدی غیر فعال

برداشت‌ه شده است. احیای کارخانه‌های راکد و نیمه‌تعطیل وارد کانال ۷۰۰۰ واحد شده که این خبر بسیار خرسندکننده است. هر چه کارخانجات نیمه‌تعطیل به چرخه تولید بازگردند سود خالص برای کشور به شمار می‌رود.»

باید برچیده شود. هر چند در این رابطه دولت سیزدهم با راه‌اندازی درگاه ملی مجوزها به صورت مجازی سعی کرده این فرایند را سهل و شفاف کند. در این بین دستگاه‌های اجرایی و نهادهایی هستند که امضاهای طلایی را رها نمی‌کنند. اگر این درگاه به صورت کامل اجرایی شود و فرایند صدور مجوز برای کسب‌وکارهای مختلف به چند روز کاهش پیدا کند، قدر مسلم با بهبود فضای کسب‌وکار هم تولید کشور رونق گرفته و هم میزان سرمایه‌گذاری‌ها در بخش مولد اقتصاد کشور افزایش خواهد یافت.»

گام‌های اجرایی برای احیای واحدهای راکد

براساس سازوکاری که طراحی شده، برای احیای واحدهای راکد و نیمه‌فعال در گام اول رصد و شناسایی این واحدها صورت گرفت. در گام دوم، بخش خصوصی مثل اتاق بازرگانی و یا خانه صنعت و معدن به مدیران این بنگاه‌ها مشورت‌های لازم از جمله مشاوره تخصصی، راهبری اثربخش و همچنین مربیگری (کوچینگ) را ارائه کردند. گام سوم، رفع موانع تولید بود که در قالب ستاد تسهیل هر استان انجام شد. در گام چهارم، طبق نظر ستاد تسهیل، نظرات کارشناسی که در مرحله قبل انجام شده بود، به وسیله تسهیلات سفر رئیس جمهوری و سایر ظرفیت‌های قانونی بانک‌ها ارائه شد. گام پنجم، در جهت توانمندسازی این بنگاه‌ها، ظرفیت دانشگاه‌های استان‌ها و اتاق‌های بازرگانی مورد استفاده قرار گرفت. گام ششم، شبکه‌سازی تخصصی بین بنگاه‌های اقتصادی و انجمن‌های صنفی مرتبط استان‌ها بود. گام آخر نیز استفاده از ظرفیت دانش‌بنیان‌ها جهت ارتقای سطح بهره‌وری است. همه این گام‌ها با رویکرد اولویت زنجیره‌های ارزش راهبردی هر استان برنامه‌ریزی شد. بنابراین به بنگاه‌های احیا شده فقط تسهیلات پرداخت نشد، بلکه بعد از پرداخت تسهیلات با گام‌هایی که اشاره شد به سمت توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی حرکت شده تا در تکانه‌های اقتصادی پایدار بمانند و بتوانند به فعالیت ادامه دهند.



بعد از مدتی برای فروش کالاها دچار مشکل خواهیم شد و نمی‌توان از حداکثر توان تولیدی کشور سود برد. بنابراین اگر تولید صادراتی هدف باشد، چند اتفاق رخ می‌دهد؛ اولاً کیفیت کالا برای رقابت در بازارهای صادراتی افزایش پیدا می‌کند که این هم برای مصرف‌کننده داخلی خوب است و هم تولیدات ایرانی را با کیفیت جلوه می‌دهد. ثانیاً با تولید صادراتی هزینه تمام‌شده نیز باید اقتصادی باشد تا توان رقابت در بازارهای هدف ممکن شود. اگر این دو اتفاق رخ دهد، به طور قطع درآمد‌های ارزی کشور حاصل از صادرات غیرنفتی نیز بیشتر می‌شود.» حاجی‌اسماعیلی گفت: «دست آخر نیز وجود بوروکراسی پیچیده و فشل اداری که طی سالیان زیاد دست‌وپای فعالان اقتصادی را بسته نیز

این کارشناس مسائل اقتصادی ادامه داد: «در وهله دوم فشارهای مالیاتی که این روزها به بخش تولید وارد می‌شود، زیاد است و در این‌باره باید معافیت‌هایی در نظر گرفته شود. به دلیل فضای رکود حاکم بر اقتصاد کشور، بسیاری از بنگاه‌های کوچک‌از پس مالیات سنگینی که برای آن‌ها بریده شده بر نمی‌آیند. در چنین شرایطی این بنگاه‌ها عطا فعالیت را بر لقای می‌بخشند. اگر در این زمینه تسهیلاتی برای بخش تولید در نظر گرفته شود، از تعطیلی واحدهای کوچک و متوسط جلوگیری خواهد شد.»

تولید کالا با هدف صادرات

او افزود: «در وهله سوم، زمانی که بخش تولیدی کالایی را تولید می‌کند، اگر این موضوع به قصد صادرات نباشد،

بانک مرکزی انتشار گواهی سپرده خاص با نرخ سود علی‌الحساب بانکی ۳۰ درصد سالانه (پرداخت سود ماهانه) را با هدف تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی و کنترل نقدینگی کلید زد. ظرف سه روز کاری تمامی این اوراق که بالغ بر ۲۸۰ هزار میلیارد تومان بود، فروش رفت. با توجه به سود

دارندگان این گواهی می‌توانند از آن به عنوان وثیقه جهت دریافت تسهیلات بانکی استفاده کنند. نگاهی به نرخ‌های سود پلتفرم‌های تأمین مالی و نیز بهای تمام‌شده انتشار اوراق بدهی توسط تأمین سرمایه‌ها حاکی از نرخ‌های سود حدود ۳۵ درصدی و فراتر از آن است. از این منظر انتشار اوراق گواهی سپرده جدید با نرخ ۳۰ درصد، به رغم بالا بودن همچنان نسبت به نرخ‌های تأمین مالی فعلی کمتر بوده و از قضا در صورت اجرا می‌تواند هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها را اندکی کاهش دهد و بر سود شرکت‌ها تأثیر مثبتی داشته باشد. ضمن اینکه تأمین مالی از این طریق برخلاف موارد فوق محدودیتی نداشته و می‌تواند دسترسی تولیدکنندگان به نقدینگی را افزایش دهد و اثر مثبتی بر تولید بگذارد.

لزوم بهره‌گیری از تمام ابزارها

کارشناسان اقتصادی معتقدند، یکی از اولویت‌های مهم دولت در کنترل نقدینگی که از عوامل اصلی افزایش تورم است، حبس نقدینگی قلمداد می‌شود. در همین رابطه علی قنبری، عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس در گفت‌وگو با «آتی‌نو» با اشاره به اینکه کنترل تورم این روزها باید دغدغه اصلی دولت محسوب شود، گفت: «طی چند سال اخیر به دلایل گوناگون از جمله استمرار تحریم‌ها و عدم امکان انجام تبادلات مالی با شرکای تجاری خارجی، تورم در کشورمان به صورت فزاینده‌ای را رشد روبه‌رو شد. در چنین شرایطی با هر اتفاقی بازارهای سرمایه‌ای در جهت افزایش حرکت کرده‌اند.

افزود: «در این رابطه دولت باید از تمامی ابزارهایی که برای مهار تورم دارد استفاده کند. از سویی باید به این نکته توجه کرد که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در این حوزه از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین می‌توان با یک برنامه‌ریزی مدون و اصولی ترمز رشد را کشید، اما این کار نیاز به مدیریت دارد.

قنبری با اشاره به اینکه تأمین مالی بخش تولید با توجه به رکود توری، بسیار مهم است، اضافه کرد: «این مسئله که

یادداشت



چگونگی تسهیلات‌دهی بانک‌ها به بخش تولید



وضعیت تسهیلات‌دهی به بخش تولید و صنعت تقریباً هیچ‌گاه مناسب نبوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از ابتدای سال وضعیت خوبی در بخش تسهیلات‌دهی به حوزه تولید و صنعت نداشته‌ایم. در این بین با توجه به محدودیت منابع بانکی، صف دریافت تسهیلات بانکی نیز طولانی است. یعنی توزیع منابع به سادگی صورت نمی‌گیرد و واحدها مدت‌ها معطل دریافت تسهیلات می‌شوند. سهمی که قرار بود از کل منابع بانکی به بخش صنعت و تولید اختصاص یابد عدد چندان قابل‌قبولی نیست. هر سال میزانی را برای اختصاص تسهیلات به بخش تولید در نظر می‌گیرند و هیچ‌وقت هم این رقم عملیاتی نمی‌شود. واقعیت این است که سرمایه بخش تولید اعم از دستمزدها، دریافتی‌ها، پرداختی‌ها و گردش مالی در سیستم بانکی انجام می‌شود. بنابراین انتظار بخش تولید دریافت منابع مناسب از سیستم بانکی است. از طرفی تقاضای بالای بخش تولید برای دریافت تسهیلات بانکی و نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز همچنان مشکل دارد و این موضوع در انتهای سال بدتر می‌شود. البته درخواست در یافت تسهیلات از سوی بخش تولید هم بالا می‌رود. زیرا در ماه پایانی سال خرید و فروش‌های شب عید پیش می‌آید و واحدهای تولیدی و کسبه به نقدینگی بیشتری نیاز دارند. بنابراین تقاضای تسهیلات در پایان سال به‌صورت طبیعی بالاست. با این حال طبق اعلام واحدهای تولیدی، وضعیت امسال چندان قابل قبول نبوده است. وابستگی بخش تولید به منابع بانکی به هیچ‌وجه مطلوب نیست. در واقع گره‌زدن تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش بخش تولید به یک روش مالی تحت عنوان اخذ تسهیلات از نظام بانکی اصلاً مطلوب نیست. در طول تمام سال‌های گذشته تا امروز به سایر ابزارهای مالی بها نداده و آن‌ها را تقویت نکرده‌ایم. مثلاً اگر بازار تهاز فعال بود یا اگر بورس را برای تأمین مالی احیا می‌کردیم وضعیت این بازار پایدار می‌شد و می‌توانست تبدیل به محلی برای تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری در بخش تولید شود. لیزینگ کردن هم یکی از روش‌های کمک‌کننده برای بخشی از خریدهای مردم است. حتی واحدهای تولیدی می‌توانستند لیزینگ کنند تا به این ترتیب نقدینگی به دست آورند. در این صورت یک‌بار سنگین از روی شانه بانک‌ها برداشته می‌شد. در نظام بانکی تنوعی در نظام‌های پرداخت تسهیلات نداریم و روش‌های تسهیلات‌دهی متناسب با هر صنعتی نیست. به عنوان نمونه وضعیت تأمین سرمایه در گردش برای صنعت غذا و پتروشیمی با هم تفاوت دارند، اما در نظام بانکی برای هر دوی این صنایع یک الگو تعریف کرده‌ایم و می‌خواهیم برای همه صنایع با یک شیوه تسهیلات پرداخت کنیم. در واقع تاکنون تأمین مالی بخش تولید را تخصصی نکرده‌ایم. در حال حاضر وضعیت تأمین مالی بخش تولید بسیار مهجور است. بر همین اساس بخش‌های تولیدی مجبور می‌شوند برای تأمین مالی و سرمایه در گردش به سمت بانک‌ها بروند. دولت‌های قبل در مورد استفاده از بازار سرمایه برای تأمین مالی تأکید داشتند. تقریباً تمامی مسئولان اقتصادی دولت‌های گذشته این مسائل را مطرح کرده بودند، اما مهم این است که بالاخره این موضوع عملیاتی می‌شود یا خیر. همه می‌دانیم مشکل تأمین مالی وجود دارد و روش‌های حل این مشکلات و کاهش وابستگی تولید به بانک‌ها چیست. جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، انتشار اوراق و... از جمله این راهکارهاست. سال‌ها زمان می‌برد که اعتماد به بازار بورس برگردد و زبان‌ها را جبران کند. از طرف دیگر تضمین وجود داشته باشد که سرمایه مردم در این بازار از بین نمی‌رود. تنها در آن زمان مردم به بورس اعتماد می‌کنند که این مسئله نیازمند یک برنامه بلندمدت است.

تقریباً بالای این اوراق، استقبال بی‌سابقه‌ای از آن شد. ویژگی بارز گواهی سپرده فوق آن است که امکان بازخريد قبل از سررسيد در شعب بانک‌ها امکان‌پذیر است. با اجرای این طرح، مشارکت مردمی در تأمین مالی طرح‌های تولیدی کشور فراهم می‌شود.

اقدام به تأمین مالی بخش تولید کشور کند.» این اقتصاددان با تأکید بر اینکه سهم بازار سرمایه از نظام تأمین مالی در کشور تنها ۲۰ درصد است، افزود: «همین اوراق ۳۰ درصدی نیز از کانال بانک‌ها تخصیص داشته شده نه بازار سرمایه، بنابراین این مسئله نشان می‌دهد، هنوز در بین سیاست‌گذار و سرمایه‌گذار، بانک محلی است که نسبت به بورس اولویت دارد. این موضوع مطلوب نیست؛ چرا که ما نیاز داریم به سوی تأمین مالی از طریق بورس حرکت کنیم. بانک‌ها خود شرایط مناسبی ندارند و با ناترازی قابل توجهی روبه‌رو هستند. این حجم از سودی که آن‌ها باید در سررسید پرداخت کنند برای بانک‌ها مشکل ساز خواهد بود.»

کنترل حجم نقدینگی در گردش

نرخ که بانک مرکزی برای این اوراق در نظر گرفته، بسیار جذاب است و می‌تواند یک فرصت مناسب برای سیستم بانکی کشور باشد. از سویی باید منتظر افزایش نرخ سود بانکی هم بود. این نرخ سود در حال حاضر می‌تواند بخش عمده گردش پول را به سمت خود هدایت و بازارهای مالی را با کاهش تقاضا روبه‌رو کند. در همه کشورها به‌خصوص کشورهایی که به انضباط پولی و نقدینگی توجه می‌کنند، ابزار اصلی کنترل نقدینگی نرخ بهره یا سود است. نرخ سود اهرمی است که به کمک آن تعادل بین تورم و نقدینگی برقرار می‌شود. البته در ایران نرخ تورم همواره بالاست و بین تورم و نرخ بهره تناسبی برقرار نیست. در نتیجه نرخ رشد نقدینگی افزایشی است. با برقراری تعادل بین تورم و نقدینگی و یا حرکت به سمت برقراری این تعادل، ایجاد انضباط پولی ساده‌تر است و این سیاست برای همین منظور تنظیم شده است. براساس اذعان برخی کارشناسان اقتصادی در حال حاضر نرخ واقعی پول در بازار بین ۴۰ تا ۵۰ درصد است و این نرخ هنوز هم با این اعداد فاصله دارد. فاصله بین نرخ واقعی بازار و نرخ بانک فرصتی برای سفته‌بازان و دلالان است و هر چه این فاصله کم باشد سفته‌بازی کم می‌شود.



طریق آن‌ها سرمایه در گردش خود را تأمین کنند. همچنین سکوهای تأمین مالی جمعی ابزار دیگری است که به تازگی در بازار سرمایه رونمایی شده است. دو گروه از شرکت‌های بورسی شامل شرکت‌های نوپا و استارت‌آپ‌هایی که براساس فناوری نوین با روش جدید کسب‌وکار در بازار بورس پذیرفته شده‌اند و شرکت‌هایی که برای مصارف عمدتاً کوتاه‌مدت و میان‌مدت (تأمین سرمایه در گردش و تأمین مواد اولیه و...) نیاز به تأمین مالی دارند و کاری را به مشارکت می‌گذارند، می‌توانند از سکوهای تأمین مالی جمعی در بازار سهام بهره ببرند.»

قنبری گفت: «به بیان دیگر اگر دولت یک برنامه مدون داشته باشد، می‌تواند از رهگذر تقویت بورس و بازار سرمایه، در وهله اول نقدینگی‌های سرگردان جامعه که هر روز نیز بر حجم آن‌ها افزوده می‌شود را به بورس رهنمون سازد. به جای اینکه این غول نقدینگی هرازگاهی در یک بازار سر بکشد. در وهله دوم از طریق بازار ثانویه بورس به وسیله این منابع عظیم

آیا اوراق ویژه ۳۰ درصدی می‌تواند گره از مشکلات بخش تولید بگشاید، به این مسئله بستگی دارد که در کنار این اوراق، دولت گام‌های دیگری هم بردارد.»

استفاده از ظرفیت بورس برای تأمین مالی تولید

این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه در کنار انتشار اوراق، بورس یک ظرفیت مناسب برای تأمین مالی بخش تولید است، گفت: «با توجه به اینکه حدود ۸۰ درصد بنگاه‌های بزرگ و متوسط تولیدی و خدماتی کشور در بازار سرمایه حضور دارند، با استفاده از ابزارهایی نوینی موجود در این بازار، می‌توان اقدام به تأمین نقدینگی کارخانه‌ها و شرکت‌ها کرد.»

این کارشناس مسائل اقتصادی، ادامه داد: «انواع اوراق شامل رهنی، مشارکت، اجاره، منفعت و شرکت‌پروژه‌ها از جمله ابزارهای نوین مالی هستند که بنگاه‌های تولیدی می‌توانند از